فصلنامه ایده های نوین روانشناسی
دوره ۲۶، شماره، ۳۰، پائیز ۱۴۰۴

نقش میانجی سبک‌های دلبستگی در رابطه بین حضور فیزیکی همسر و امنیت عاطفی، رضایت زناشویی و سطح استرس زنان متأهل شهر مشهد

مهسا الیاسی[1*]
۱گروه روان شناسی بالینی گرایش خانواده، دانشگاه جامع انقلاب تهران(نویسنده مسئول)
mahsaelyasi1703@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش میانجی سبک‌های دلبستگی در رابطه بین حضور فیزیکی همسر و امنیت عاطفی، رضایت زناشویی و استرس ادراک‌شده زنان متأهل انجام شد. روش این مطالعه از نوع همبستگی و مبتنی بر مدل‌یابی معادلات ساختاری بود. نمونه پژوهش شامل ۳۸۴ زن متأهل ساکن شهر مشهد در سال ۱۴۰۳ بود که به روش در دسترس انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه‌های امنیت عاطفی، رضایت زناشویی انریچ، استرس ادراک‌شده کوهن، پرسشنامه محقق‌ساخته حضور فیزیکی همسر و سبک‌های دلبستگی بزرگسالان گردآوری شد. تحلیل داده‌ها با نرم‌افزارهای اس‌پی‌اس‌اس و لیزرلو با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی و مدل‌یابی معادلات ساختاری انجام گرفت. نتایج نشان داد مدل پژوهش از برازش مطلوبی برخوردار است. حضور فیزیکی همسر به‌طور مستقیم با افزایش امنیت عاطفی و رضایت زناشویی و کاهش استرس ادراک‌شده رابطه معنادار داشت. همچنین، سبک دلبستگی ایمن نقش میانجی مثبت در این روابط ایفا کرد، در حالی که سبک‌های ناایمن (اضطرابی و اجتنابی) اثرات منفی داشتند. حضور فیزیکی همسر علاوه بر اثر مستقیم، از طریق تقویت دلبستگی ایمن، سازوکاری روان‌شناختی برای ارتقای امنیت عاطفی و رضایت زناشویی و کاهش استرس زنان فراهم می‌کند. این یافته‌ها بر اهمیت توجه به الگوهای دلبستگی در مداخلات خانواده‌محور تأکید دارد.

واژه‌های کلیدی: حضور فیزیکی همسر، امنیت عاطفی، رضایت زناشویی، استرس ادراک‌شده، سبک‌های دلبستگی.

مقدمه

روابط زناشویی یکی از بنیادی‌ترین بسترهای تأمین سلامت روان و احساس امنیت در بزرگسالان به شمار می‌رود. کیفیت این روابط نه‌تنها بر رضایت فردی زوجین، بلکه بر ثبات خانواده و کارکردهای هیجانی و اجتماعی آنان نیز تأثیرگذار است. (کارنی و بردبوری[1]، ۱۹۹۵). در این میان، احساس امنیت عاطفی و رضایت زناشویی از مهم‌ترین شاخص‌های کیفیت رابطه زناشویی محسوب می‌شوند که به‌طور مستقیم با سطح استرس ادراک‌شده افراد مرتبط‌اند. هرگونه اختلال در تعاملات زوجین می‌تواند منجر به افزایش

[1] Karney & Bradbury

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-17]

تنش‌های روان‌شناختی و کاهش احساس ایمنی در رابطه شود. (مفرد و همکاران، ۱۴۰۰؛ کوآن[1]، ۲۰۰۶). یکی از عوامل کمتر مورد توجه اما اثرگذار در پویایی روابط زناشویی، حضور فیزیکی همسر است. در شرایط زندگی معاصر، عواملی نظیر اشتغال‌های زمان‌بر، مأموریت‌های شغلی، شیفت‌های کاری طولانی و مهاجرت می‌توانند منجر به کاهش حضور فیزیکی زوجین در کنار یکدیگر شوند (ازهری و همکاران، ۲۰۲۰). این کاهش حضور، فراتر از یک مسئله زمانی، می‌تواند کیفیت پیوند عاطفی را تحت تأثیر قرار داده و زمینه‌ساز احساس تنهایی، ناایمنی عاطفی و افزایش استرس در همسران، به‌ویژه زنان، شود. با این حال، سازوکارهای روان‌شناختی که این ارتباط را توضیح می‌دهند، به اندازه کافی مورد بررسی قرار نگرفته‌اند. (کوآن،۲۰۱۴).

نظریه دلبستگی یکی از چارچوب‌های نظری قدرتمند برای تبیین روابط صمیمانه در بزرگسالی است. بر اساس این نظریه، سبک‌های دلبستگی بزرگسالان تعیین می‌کنند که افراد چگونه صمیمیت، حمایت و امنیت را در روابط نزدیک تجربه می‌کنند(بارتولو[2] و همکاران، ۱۹۹۱). افراد دارای سبک دلبستگی ایمن، روابط را منبع حمایت و آرامش می‌دانند، در حالی که سبک‌های ناایمن (اضطرابی و اجتنابی) با نگرانی‌های بین‌فردی، ترس از طرد و دشواری در اعتماد همراه هستند. بنابراین، حضور یا عدم حضور فیزیکی همسر ممکن است از طریق فعال‌سازی الگوهای دلبستگی، پیامدهای هیجانی و شناختی متفاوتی ایجاد کند. (فرالی[3] و همکاران، ۲۰۰۰؛ میکوینسر و شاور[4]، ۲۰۱۶).

پژوهش‌های پیشین هر یک به‌طور جداگانه به ارتباط دلبستگی با رضایت زناشویی، امنیت عاطفی یا استرس پرداخته‌اند و برخی مطالعات نیز نقش عوامل زمینه‌ای در کیفیت روابط زناشویی را بررسی کرده‌اند. با این حال، بررسی همزمان حضور فیزیکی همسر به عنوان یک عامل بافتی و سبک‌های دلبستگی به عنوان یک سازوکار درونی، در ارتباط با پیامدهای هیجانی زنان متأهل، کمتر مورد توجه قرار گرفته است(لورنز[5] و همکاران، ۲۰۱۹). این خلأ پژوهشی نشان می‌دهد که درک جامع‌تری از چگونگی تأثیر حضور همسر بر

[1] Coan
[2] Bartholomew
[3] Fraley
[3] Mikulincer & Shaver
[5] Lorenz

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-17]

سلامت هیجانی زنان، مستلزم توجه به نقش میانجی‌گر الگوهای دلبستگی است (عباسپور و همکاران،۲۰۲۱؛ مکاری،۲۰۲۳).

بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش میانجی سبک‌های دلبستگی در رابطه بین حضور فیزیکی همسر و امنیت عاطفی، رضایت زناشویی و استرس ادراک‌شده زنان متأهل انجام شد. مدل مفهومی پژوهش بر این فرض استوار است که حضور فیزیکی همسر علاوه بر اثر مستقیم، از طریق تقویت دلبستگی ایمن و کاهش الگوهای ناایمن، می‌تواند به بهبود شاخص‌های هیجانی و زناشویی منجر شود.

حضور فیزیکی همسر به‌عنوان یک مولفه کلیدی در تعاملات زوجین، نقش تعیین‌کننده‌ای در کیفیت روابط زناشویی و سلامت روانی دارد. مطالعات روانشناختی نشان داده‌اند که تماس حضوری و دسترس‌پذیری واقعی شریک زندگی می‌تواند احساس امنیت، رضایت زناشویی و کاهش استرس را تقویت کند (بودمان[1]، ۲۰۰۵؛ ازهری و همکاران، ۲۰۲۰). از منظر نوروساینس اجتماعی، تعامل چهره‌به‌چهره و حضور در همان فضای فیزیکی، هم‌نوسانی عصبی زوجین را افزایش می‌دهد و فرآیندهای هم‌تنظیمی هیجانی را تقویت می‌کند؛ این سازوکار منجر به تثبیت احساس امنیت در رابطه و کاهش پاسخ‌های فیزیولوژیکی استرس می‌شود (جانسون[2]، ۲۰۰۴؛ کوآن،۲۰۱۴؛۲۰۰۶)

در بافت ایرانی نیز، حضور فیزیکی همسر به‌عنوان یک عامل تعیین‌کننده در ارتقای امنیت عاطفی و کیفیت رابطه گزارش شده است. برای نمونه، مطالعات انجام‌شده روی زنان متأهل شهر مشهد نشان می‌دهد که دسترس‌پذیری و پاسخ‌دهی همسر باعث تقویت احساس امنیت عاطفی، کاهش استرس و افزایش رضایت زناشویی می‌شود (منفرد و همکاران، ۱۴۰۰؛ مکاری، ۱۴۰۲). این یافته‌ها نشان می‌دهد که ترکیب دسترس‌پذیری واقعی شریک و کیفیت تعامل‌های روزانه می‌تواند اثر مستقیم و قابل توجهی بر پیامدهای هیجانی و روانی زنان متأهل داشته باشد.

رضایت زناشویی به عنوان یک شاخص کلیدی کیفیت رابطه، به درجه همخوانی، تعامل مثبت و تحقق نیازهای عاطفی زوجین اشاره دارد و به طور مستقیم با سلامت روان و رفاه کلی خانواده مرتبط است (کارنی و بردبوری، ۱۹۹۵). پژوهش‌ها نشان می‌دهند که رضایت زناشویی تحت تأثیر ترکیبی از عوامل

[1] Budenmann
[2] Johnson

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-17]

فردی، رابطه‌ای و محیطی قرار دارد؛ در این میان، حضور فیزیکی و تعامل حضوری با همسر به‌عنوان یک عامل کلیدی مطرح شده است (هوگان[1] و همکاران، ۲۰۲۱).

مطالعات تجربی بیان می‌کنند که زمان حضوری مشترک، فرصت تعامل مثبت، همدلی و حل تعارض در لحظه را فراهم می‌آورد و این فرآیندها نقش مهمی در افزایش رضایت زناشویی دارند (پالمن[2] و همکاران، ۲۰۲۱؛ گاتمن[3] و لوانسون،۲۰۰۰) .حضور فیزیکی همسر همچنین باعث هم‌نوسانی هیجانی زوجین شده و ظرفیت هم‌تنظیمی رابطه را افزایش می‌دهد؛ به این ترتیب، زوجین بهتر قادر به مدیریت استرس‌های روزمره و جلوگیری از انباشت تعارضات کوچک هستند (ازهری و همکاران،۲۰۲۰)

از منظر نظریه دلبستگی، دسترس‌پذیری و پاسخ‌دهی همسر باعث ایجاد امنیت هیجانی و اعتماد در رابطه می‌شود و این عوامل بهبود رضایت زناشویی را تسهیل می‌کنند(میکوینسر و شاور، ۲۰۱۶). الگوی پناه امن بیان می‌کند که حمایت همدلانه و حضور مداوم شریک، فعال‌سازی منابع داخلی فرد را افزایش داده و تجربه مثبت و مطمئن در رابطه را تقویت می‌کند (کالینز و فینی[4]،۲۰۰۰).

در بافت ایرانی، مطالعات متعدد نشان داده‌اند که حضور همسر و کیفیت تعامل‌های روزانه با رضایت زناشویی زنان رابطه معناداری دارد. برای مثال، پژوهش مکاری و همکاران (۱۴۰۲) نشان داد که دسترس‌پذیری همسر و حمایت‌های روزانه او به افزایش رضایت زناشویی و کاهش استرس ادراک‌شده کمک می‌کند. به همین ترتیب، تحلیل ساختاری روی زنان ایرانی، همبستگی مثبت و معنادار بین دلبستگی ایمن، امنیت عاطفی و رضایت زناشویی را نشان داده است (منفرد و همکاران، ۱۴۰۰).

امنیت عاطفی یکی از سازه‌های کلیدی در روانشناسی خانواده و روابط زناشویی است که نشان‌دهنده احساس فرد از حمایت، پذیرش و اطمینان در رابطه زوجی می‌باشد. امنیت عاطفی بالا، فرد را قادر می‌سازد هیجانات خود را تنظیم کند، تعارض‌ها را به شکل سازنده مدیریت نماید و رضایت زناشویی را ارتقا

[1] Hogan
[2] Pulman
[3] Gottman & Levenson
[4] Collins & Feeney

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-17]

دهد(میکوینسر و شاور[1]، ۲۰۱۶). در مقابل، فقدان امنیت عاطفی با افزایش استرس ادراک‌شده، کاهش رضایت و پیامدهای روانی منفی همراه است (لورنز و همکاران، ۲۰۱۹).

رضایت زناشویی یکی از شاخص‌های اصلی کیفیت زندگی زوجین و سلامت روانی–رابطه‌ای است و نشان‌دهنده میزان ارضای نیازهای عاطفی، حمایت متقابل و هماهنگی در تصمیم‌گیری‌های مشترک می‌باشد (فانک و راگ[2]، ۲۰۰۷). پژوهش‌های پیشین نشان داده‌اند که حضور و تعامل مداوم زوجین، کیفیت رابطه و رضایت زناشویی را افزایش می‌دهد و فقدان آن با کاهش صمیمیت و افزایش تعارضات همراه است (هوگان و همکاران، ۲۰۲۱).

[5] Mikulincer & Shaver
[2] Funk & Rogge

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-17]

فصلنامه ایده های نوین روانشناسی
دوره ۲۶، شماره، ۳۰، پائیز ۱۴۰۴

روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش، توصیفی–همبستگی از نوع مدل‌یابی معادلات ساختاری[۱] بود. جامعه آماری شامل کلیه زنان متأهل ساکن شهر مشهد در سال ۱۴۰۳ بود. نمونه پژوهش شامل ۳۸۴ نفر بود که با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. با توجه به ماهیت مدل‌یابی ساختاری، حجم نمونه مطابق توصیه‌های روش‌شناختی کفایت لازم را داشت.

جامعه آماری شامل زنان متأهل ساکن شهر مشهد بود. حجم نمونه براساس فرمول کوکران و با توجه به تحلیل‌های آماری مورد نیاز ۳۸۴ نفر تعیین شد. نمونه‌گیری به صورت غیرتصادفی و در دسترسی[۲] انجام گرفت. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه شامل سن، مدت ازدواج و تعداد فرزند به شرح زیر بود: بیشترین گروه سنی ۲۰ تا ۳۰ سال (۴۴.۳٪)، بیشترین مدت ازدواج کمتر از ۲ سال (۳۷٪) و بیشترین تعداد فرزند صفر (۵۱.۸٪) بود. این ترکیب نشان می‌دهد نمونه عمدتاً زنان جوان، در سال‌های ابتدایی ازدواج و غالباً بدون فرزند را شامل می‌شود. نمونه پژوهش شامل ۳۸۴ زن متأهل شهر مشهد بود. نتایج آزمون کولموگروف–اسمیرنوف نشان داد توزیع تمامی متغیرها نرمال است ($p>0.05$)، بنابراین استفاده از تحلیل‌های پارامتریک و مدل‌یابی معادلات ساختاری مجاز بود.

ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه امنیت عاطفی، مقیاس رضایت زناشویی انریچ[۳]، مقیاس استرس ادراک‌شده کوهن[۴]، پرسشنامه سبک‌های دلبستگی بزرگسالان (هازن و شیور) و پرسشنامه محقق‌ساخته حضور فیزیکی همسر بود. پایایی ابزارها با ضریب آلفای کرونباخ در دامنه قابل قبول گزارش شد.

به‌منظور بررسی ساختار عاملی ابزارها از تحلیل عاملی تأییدی[۵] و برای آزمون مدل ساختاری از مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده شد. برازش مدل با شاخص‌هایی نظیر RMSEA ، CFI، NFI و χ^2/df ارزیابی گردید. اثرهای مستقیم و غیرمستقیم با روش بوت‌استرپ مورد آزمون قرار گرفتند. تحلیل داده‌ها با نرم‌افزارهای اس‌پی‌اس‌اس[۶] و لیزرل[۷] انجام شد.

تحلیل عاملی تأییدی نشان داد بارهای عاملی همه سازه‌ها بالاتر از ۰.۷۰ و مقادیر AVE بیش از ۰.۵۰ بود؛ همچنین پایایی مرکب[۸] () و آلفای کرونباخ تمامی متغیرها بالاتر از ۰.۷۰ گزارش شد. این یافته‌ها روایی همگرا، روایی واگرا و پایایی مطلوب ابزارها را تأیید می‌کند.

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-17]

نتایج

نتایج رگرسیون و مدل ساختاری در«اثرهای مستقیم حضور فیزیکی همسر» به شرح زیر می باشد:

جدول ۱- نتایج رگرسیون و مدل ساختاری در«اثرهای مستقیم حضور فیزیکی همسر»

مسیر	βاستاندارد	نتیجه
حضور فیزیکی ← امنیت عاطفی	۰.۲۰۳	مثبت و معنادار
حضور فیزیکی ← رضایت زناشویی	۰.۳۲۶	مثبت و معنادار
حضور فیزیکی ← استرس ادراک‌شده	-۰.۲۴۹	مثبت و معنادار

نتایج نشان میدهد که هرچه حضور فیزیکی همسر بیشتر باشد، امنیت عاطفی و رضایت زناشویی افزایش و استرس کاهش می‌یابد. همچنین حضور فیزیکی همسر پیش‌بینی‌کننده مثبت دلبستگی ایمن است ($\beta=0.382, p<0.01$).از این رو اثرهای غیرمستقیم نیز همگی معنادار هستند:

جدول ۲- نتایج معناداری مسیرهای غیرمستقیم

مسیر غیرمستقیم	βاستاندارد
حضور فیزیکی ← امنیت عاطفی (از طریق دلبستگی ایمن)	۰.۱۶۰
حضور فیزیکی ← رضایت زناشویی (از طریق دلبستگی ایمن)	۰.۱۲۲
حضور فیزیکی ← استرس ادراک‌شده (از طریق دلبستگی ایمن)	-۰.۱۴۴

فواصل اطمینان بوت‌استرپ شامل صفر نبود؛ بنابراین میانجی‌گری جزئی[۱] تأیید شد. همچنین به منظور بررسی قدرت تبیین مدل شاخص R^2 مورد بررسی قرار گرفت که نتایج آن به شرح زیر است:

[1] SEM
[2] convenience sampling
[3] ENRICH
[4] PSS
[5] CFA
[6] SPSS
[7] LISREL
[۸] CR
[1] Partial Mediation

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-17]

جدول ۳- توان تبیین مدل

مسیر غیرمستقیم	βاستاندارد
دلبستگی ایمن	۰.۱۲۴
امنیت عاطفی	۰.۲۶۶
رضایت زناشویی	۰.۲۵۴
استرس ادراک شده	۰.۱۶۸

این مقادیر نشان‌دهنده قدرت تبیینی قابل‌قبول مدل هستند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی نقش میانجی سبک‌های دلبستگی در رابطه بین حضور فیزیکی همسر و شاخص‌های هیجانی و زناشویی زنان متأهل بود. یافته‌ها نشان داد حضور فیزیکی همسر هم به‌طور مستقیم و هم از طریق سازوکارهای دلبستگی، با افزایش امنیت عاطفی و رضایت زناشویی و کاهش استرس ادراک‌شده مرتبط است.

نتایج نشان داد حضور بیشتر همسر به‌طور مستقیم با افزایش امنیت عاطفی و رضایت زناشویی و کاهش استرس همراه است. این یافته را می‌توان در چارچوب نیاز بنیادین انسان به دسترسی‌پذیری هیجانی و حمایت بین‌فردی تبیین کرد. حضور فیزیکی، فرصت تعامل، همدلی و تنظیم هیجان مشترک را افزایش می‌دهد و در نتیجه احساس ایمنی روان‌شناختی را تقویت می‌کند. کاهش استرس نیز احتمالاً ناشی از کاهش احساس تنهایی و افزایش ادراک حمایت اجتماعی است. این یافته‌ها همسو با دیدگاه‌های رابطه‌محور در روان‌شناسی خانواده است که بر نقش تعاملات روزمره در کیفیت پیوند زناشویی تأکید دارند.

یکی از مهم‌ترین یافته‌های پژوهش، تأیید نقش میانجی دلبستگی ایمن بود. حضور فیزیکی همسر با تقویت الگوی دلبستگی ایمن همراه بود و این سبک دلبستگی به نوبه خود پیش‌بینی‌کننده امنیت عاطفی بالاتر، رضایت زناشویی بیشتر و استرس کمتر بود. بر اساس نظریه دلبستگی، دسترسی‌پذیری و پاسخ‌دهی همسر به‌عنوان «پایگاه امن» عمل می‌کند. حضور فیزیکی منظم می‌تواند این تجربه پایگاه امن را تثبیت کند و در نتیجه تنظیم هیجان کارآمدتر و ارزیابی مثبت‌تر از رابطه شکل گیرد.

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-17]

در مقابل، سبک‌های دلبستگی اضطرابی و اجتنابی اثرات منفی نشان دادند. این الگوها با نگرانی از طرد یا اجتناب از صمیمیت همراه‌اند و می‌توانند مانع بهره‌مندی کامل از حضور همسر شوند. بنابراین، حتی در شرایط حضور فیزیکی، در صورت وجود الگوهای ناایمن، پیامدهای مثبت رابطه ممکن است کاهش یابد. این موضوع اهمیت پرداختن به الگوهای درونی دلبستگی در کنار عوامل بافتی را نشان می‌دهد.

به‌طور کلی، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد حضور فیزیکی همسر صرفاً یک متغیر زمانی یا محیطی نیست، بلکه عاملی با پیامدهای روان‌شناختی عمیق است که از طریق فعال‌سازی نظام دلبستگی عمل می‌کند. این نتیجه پلی میان عوامل بیرونی رابطه (حضور) و سازوکارهای درونی فرد (دلبستگی) ایجاد می‌کند.

نتایج پژوهش حاضر با شواهد بین‌المللی و ملی همسو است. مطالعات بین‌المللی نشان داده‌اند که زمان حضوری مشترک و دسترس‌پذیری همسر با امنیت هیجانی، رضایت زناشویی و کاهش استرس رابطه مثبت دارد(بارت[1] و همکاران، ۲۰۲۲؛ هان[2] و همکاران، ۲۰۲۱). در بافت ایرانی نیز پژوهش‌ها بر اهمیت امنیت عاطفی و سبک‌های دلبستگی در پیش‌بینی رضایت زناشویی تأکید کرده‌اند(منفرد و همکاران، ۱۴۰۰؛ مکاری و همکاران، ۱۴۰۲). این همسویی نشان می‌دهد که الگوهای جهانی اثر تعامل حضوری و سبک‌های دلبستگی بر پیامدهای زناشویی، در بافت فرهنگی ایرانی نیز صادق است، هرچند ممکن است شدت اثرات تحت تأثیر سن، مدت ازدواج و تعداد فرزند قرار گیرد.

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد حضور فیزیکی همسر نقش مهمی در سلامت هیجانی و کیفیت رابطه زناشویی زنان متأهل ایفا می‌کند. این حضور نه‌تنها به‌صورت مستقیم با افزایش امنیت عاطفی و رضایت زناشویی و کاهش استرس ادراک‌شده مرتبط بود، بلکه از طریق تقویت سبک دلبستگی ایمن نیز به‌عنوان سازوکاری روان‌شناختی عمل می‌کرد. در مقابل، الگوهای دلبستگی ناایمن می‌توانند این آثار مثبت را تضعیف کنند. بنابراین، حضور همسر را می‌توان عاملی بافتی و سبک دلبستگی را مکانیسمی درونی در تبیین کیفیت تجربه هیجانی زنان در روابط زناشویی دانست. این نتایج بر ضرورت توجه هم‌زمان به شرایط عینی زندگی زوجین و فرایندهای درونی رابطه در طراحی مداخلات مشاوره‌ای و برنامه‌های ارتقای سلامت خانواده تأکید دارد.

[1] Barret
[2] Han

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-17]

کاربردهای عملی

کاربردهای عملی پژوهش حاضر به شرح زیر اعلام می‌گردد:

۱. مشاوران خانواده می‌توانند بر افزایش «زمان باکیفیت حضور» زوجین تأکید کنند.
۲. مداخلات زناشویی بهتر است شامل کار بر روی الگوهای دلبستگی، به‌ویژه تقویت دلبستگی ایمن باشد.
۳. سیاست‌گذاران حوزه خانواده و اشتغال می‌توانند به تأثیرات روانی غیبت طولانی‌مدت همسران توجه کنند.

محدودیت‌های پژوهش

محدودیت‌های پژوهش حاضر به شرح زیر اعلام می‌گردد:

۱. استفاده از نمونه در دسترس
۲. اتکا به ابزارهای خودگزارشی
۳. مقطعی بودن پژوهش (عدم امکان نتیجه‌گیری علّی).

پیشنهادهای پژوهشی

پیشنهادهای پژوهش حاضر به شرح زیر اعلام می‌گردد:

۱. انجام مطالعات طولی
۲. بررسی نقش کیفیت حضور در کنار کمیت حضور
۳. مطالعه در گروه‌های فرهنگی و شهری دیگر

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-17]

منابع

عباس‌مفرد، ا.، و همکاران (۱۴۰۰)، «نقش امنیت عاطفی و دلبستگی در رضایت زناشویی زنان ایرانی»، *مجله روانشناسی خانواده*، ۱۲(۲)، ۴۵–۶۰.

مکاری، س.، و همکاران (۱۴۰۲)، «سبک‌های دلبستگی و امنیت عاطفی در زنان متأهل مشهد»، *مجله مطالعات خانواده ایرانی*، ۹(۲)، ۲۳–۴۲.

Azehari, S., et al. (2020). Neural synchrony in couples: Emotional security and co-regulation. Journal of Family Psychology, 34(2), 145–157.

Azhari, A., et al. (2020). Neural synchronization in couples: A marker of emotional co-regulation. Social Cognitive and Affective Neuroscience, 15(7), 789–801.

Azhari, S., et al. (2020). Couple synchrony and emotional security in dyadic interactions. Journal of Family Psychology, 34(3), 345–356.

Barrett, C., et al. (2022). Couple presence and stress reduction: A meta-analytic review. Psychoneuroendocrinology, 139, 105688.

Bartholomew, K., & Horowitz, L. M. (1991). Attachment styles among young adults: A test of a four-category model. Journal of Personality and Social Psychology, 61(2), 226–244.

Bodenmann, G. (2005). Dyadic coping and its significance for marital functioning. Couple and Family Psychology, 3(2), 103–115.

Coan, J. A. (2006). Social baseline theory: The role of social proximity in emotion and physiology. Current Directions in Psychological Science, 15(6), 237–241.

Coan, J. A., & Sbarra, D. A. (2015). Social baseline theory: The role of social proximity in emotion regulation and risk. Current Opinion in Psychology, 1, 3–8.

Coan, J. A., Schaefer, H. S., & Davidson, R. J. (2006). Lending a hand: Social regulation of the neural response to threat. Psychological Science, 17(12), 1032–1039.

Cohen, S., & Wills, T. A. (1985). Stress, social support, and the buffering hypothesis. Psychological Bulletin, 98(2), 310–357.

Cohen, S., Kamarck, T., & Mermelstein, R. (1983). A global measure of perceived stress. Journal of Health and Social Behavior, 24(4), 385–396.

Collins, N. L., & Feeney, B. C. (2000). A safe haven: An attachment theory perspective on support seeking and caregiving in intimate relationships. Journal of Personality and Social Psychology, 78(6), 1053–1073.

Ditzen, B., et al. (2007). Effects of social support on stress responses in couples. Psychoneuroendocrinology, 32, 994–1000.

Feeney, B. C., & Collins, N. L. (2015). A new look at social support: Thriving through relationships. Personality and Social Psychology Review, 19(2), 113–147.

Feeney, J. A. (2008). Adult romantic attachment: Developments in the study of couple relationships. Journal of Social and Personal Relationships, 25(5), 679–695.

Fraley, R. C., & Shaver, P. R. (2000). Adult romantic attachment: Theoretical developments and unanswered questions. Review of General Psychology, 4(2), 132–154

Funk, J. L., & Rogge, R. D. (2007). Testing the ruler with item response theory: Couples satisfaction index. Journal of Family Psychology, 21(4), 572–583.

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-17]

Han, S., et al. (2021). Physical presence of a partner reduces physiological stress responses in daily life. Psychophysiology, 58(9), e13845.

Hogan, B., et al. (2021). Physical presence and relationship satisfaction: Daily diary evidence. Journal of Marriage and Family, 83(2), 456–470.

Johnson, S. M. (2004). The practice of emotionally focused couple therapy: Creating connection. Brunner-Routledge.

Karney, B. R., & Bradbury, T. N. (1995). The longitudinal course of marital quality and stability: A review of theory, method, and research. Psychological Bulletin, 118(1), 3–34.

Lorenz, A., et al. (2019). Attachment security and emotional regulation in couples. Journal of Social and Personal Relationships, 36(5), 1401–1418.

Mikulincer, M., & Shaver, P. R. (2016). Attachment in adulthood: Structure, dynamics, and change (2nd ed.). Guilford Press.

Pulman, A., et al. (2021). Time spent together and couple well-being. Family Process, 60(1), 123–140.

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-17]

فصلنامه ایده های نوین روانشناسی
دوره ۲۶، شماره، ۳۰، پائیز ۱۴۰۴

The Mediating Role of Attachment Styles in the Relationship Between Spouse's Physical Presence and Emotional Security, Marital Satisfaction, and Stress Level of Married Women in Mashhad

Mahsa Elyasi[1*]
Department of Clinical Psychology, Family Orientation, Enghelab University of Tehran
mahsaelyasi1703@gmail.com

Abstract
The present study aimed to investigate the mediating role of attachment styles in the relationship between spouse's physical presence and emotional security, marital satisfaction, and perceived stress of married women. The method of this study was correlational and based on structural equation modeling. The research sample included 384 married women living in Mashhad in 1403, who were selected through convenience sampling. Data were collected using questionnaires for emotional security, Enrich's marital satisfaction, Cohen's perceived stress, a researcher-made questionnaire for spouse's physical presence, and adult attachment styles. Data analysis was performed with SPSS and LISREL software using confirmatory factor analysis and structural equation modeling.The results showed that the research model had a good fit. The physical presence of the spouse was directly significantly related to increased emotional security and marital satisfaction and decreased perceived stress. Also, secure attachment style played a positive mediating role in these relationships, while insecure styles (anxious and avoidant) had negative effects. In addition to the direct effect, the physical presence of the spouse provides a psychological mechanism to promote emotional security and marital satisfaction and reduce women's stress by strengthening secure attachment. These findings emphasize the importance of paying attention to attachment patterns in family-centered interventions.
Keywords: Physical Presence of The Spouse, Emotional Security, Marital Satisfaction, Perceived Stress, Attachment Styles.

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-17]